

نظریه‌های جدید جغرافیای سیاسی

دکتر عزت‌الله عزتی

چاپ اول

۱۳۸۶



سرشناسه:	عزتی، عزت‌الله
عنوان و پدیدآور:	نظریه‌های جدید جغرافیای سیاسی / مؤلف عزت‌الله عزتی.
مشخصات نشر:	تهران: قومس، ۱۳۸۶
مشخصات ظاهری:	۱۸۰ ص.
شابک:	964-8811-12-1
یادداشت:	کتابنامه.
موضوع:	جغرافیای سیاسی.
رده‌بندی کنگره:	۶ ن ۴ ع ۳۱۹ JC
رده‌بندی دی‌ری:	۳۲۰/۱۲
شماره کتابخانه ملی:	۸۵-۲۴۰۵۲ م



- ☆ نام کتاب: نظریه‌های جدید جغرافیای سیاسی
- * مؤلف: عزت‌الله عزتی
- * شابک: ۹۶۴-۸۸۱۱-۱۲-۱
- * حروفچینی و صفحه‌آرایی: حروفچینی هما (امید سید کاظمی)
- * نوبت چاپ: اول ۱۳۸۶
- * تیراژ: ۲۰۰۰ جلد
- * لیتوگرافی و چاپ: طیف‌نگار
- * صحافی: دیدآور
- * ناشر: نشر قومس، تهران، میدان انقلاب، اول خیابان آزادی، بعد از جمالزاده
خیابان والعصر، تقاطع فرصت، شماره ۱۰۴
- * تلفن و نمابر: ۶۶۹۳۲۷۹۷
- * صندوق پستی: ۱۳۱۴۵-۱۳۹۱
- * نشانی اینترنتی: www.ghoomes-pub.com
- * قیمت: ۲۸۰۰۰ ریال

کلبه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است

۱۱	فصل اول: ماهیت دولت‌ها و حکومت
۱۳	تئوری‌های دولت
۲۰	تحول در مفهوم دولت، دولت‌های مدرن و پُست‌مدرن
۲۱	ویژگی‌های رفتار سیستم پُست‌مدرن
۲۳	ویژگی‌های دولت جدید
۲۵	دولت و منشأ قدرت
۳۵	* منابع و مآخذ
۳۷	فصل دوم: بررسی نظریه از سیاستمداری تا اقتصادمداری
۳۷	نگاهی به سیر تحولات
۴۲	مرزهای سیاسی و تفکر اقتصادمحوری
۴۳	ماهیت دولت‌ها یا نظریه نظم در روابط بین‌الملل
۴۹	مرحله انتقالی
۵۷	دیدگاه‌هایی در رابطه با چشم‌انداز اروپا و نقش آلمان
۶۳	آیا نظام دوقطبی جدیدی برقرار می‌گردد؟
۶۴	نظریه نظام تعادل قوای جدید
۶۸	کشورداري، قدرت و ژئوپولیتیک
۷۲	* منابع و مآخذ

۷۳	فصل سوم: جغرافیای سیاسی و امنیت
۷۳	تحول در مفهوم امنیت
۷۵	بررسی مفهوم جدید امنیت ملی
۷۸	دوران صلح سرد و ویژگی های امنیتی آن
۷۹	تأثیر تغییر سیستمی بر امنیت ملی
۸۰	تغییرات ژئوپولیتیک و امنیت
۸۲	توسعه قلمرو امنیت (توسعه حوزه امنیت)
۸۴	تحلیلی بر امنیت بشری در مقیاس جهانی
۸۷	تأملی دوباره در زمینه امنیت
۹۰	امنیت، هویت و تسلط جهانی
۹۱	ژئوپولیتیک و امنیت
۹۵	نظریه جهان چهارم و مفهوم امنیت
۹۷	* منابع و مآخذ
۹۹	فصل چهارم: جغرافیا و دموکراسی
۹۹	دموکراسی چیست؟
۱۰۱	حکومت اکثریت، حقوق اقلیت
۱۰۲	ارتباطات مدنی، نظامی و امنیتی
۱۰۴	احزاب سیاسی و دموکراسی
۱۰۵	وظایف شهروندان
۱۰۷	مطبوعات آزاد
۱۰۸	فدرالیسم و پدیده دموکراسی
۱۱۰	دموکراسی و حاکمیت قانون
۱۱۲	حقوق بشر و دموکراسی
۱۱۳	قدرت اجرایی و دموکراسی
۱۱۵	قوة قانون‌گذار و دموکراسی
۱۱۷	اهمیت و نقش قوة قضائیه در حکومت‌های دموکراتیک
۱۱۸	جغرافیای سیاسی و پدیده دموکراسی
۱۲۰	مفهوم رایج در برابر مفهوم واقعی دموکراسی
۱۲۳	رشد و گسترش دموکراسی
۱۲۹	تهدیدات علیه دموکراسی
۱۳۱	دیدگاه‌های انتقادی بر دموکراتیزاسیون
۱۳۳	دولت و دموکراتیزاسیون

۱۳۴	جامعه مدنی و دموکراتیزاسیون
۱۳۶	جهانی شدن و دموکراتیزاسیون
۱۳۷	* منابع و مآخذ

۱۳۹	فصل پنجم: جغرافیای جنگ
۱۳۹	سابقه تاریخی و پیشینه جنگ
۱۴۲	استراتژی و جغرافیا
۱۴۵	سه دیدگاه جغرافیا در مورد استراتژی
۱۴۸	طبیعت استراتژی
۱۴۹	بررسی نظریه جایگاه اوراسیا در پیدایش جنگ سرد دوم
۱۵۲	آیا روابط نزدیک تر روسیه، چین و هند، آمریکا را نگران می کند؟
۱۵۲	گسترش تفکر جنگ سرد دوم با نگرش های جغرافیایی
	اساس و محور تفکر استراتژیک آمریکا برای سلطه بر اوراسیا در قرن بیست و یکم
۱۵۵	
۱۵۸	دیدگاه ها در رابطه با چشم انداز اوراسیا در قرن بیست و یکم
۱۶۵	ژئواستراتژی اوراسیا و استراتژی های پیش بینی شده
۱۶۸	روسیه و اوراسیا
۱۷۰	جنوب غربی اوراسیا و منافع استراتژیک آمریکا
۱۷۰	جایگاه چین در اوراسیا
۱۷۵	* منابع و مآخذ

۱۷۷	فصل ششم: جغرافیا و جهانی سازی
۱۷۷	نظریاتی گوناگون در رابطه با پدیده جهانی شدن
۱۸۱	فراسوی مرزها، جهانی شدن، حاکمیت و فرامنطقه گرایی
۱۸۳	دیدگاه قانون گذاری
۱۸۸	تعارضات بین فرامنطقه گرایی و حفظ حاکمیت
۱۹۱	* منابع و مآخذ

۱۹۳	◀ منابع
۱۹۷	◀ نمایه

فهرست نقشه

- نقشه ۱: سه کانون عمده اقتصاد جهانی ۴۰
- نقشه ۲: اتحاد امنیتی اروپا، آمریکا در دوره جنگ سرد ۴۷
- نقشه ۳: مناطق مناقشه آمریکا و شوروی ۱۹۴۸-۱۹۸۸ ۵۳
- نقشه ۴: سازمان‌های منطقه‌ای در جهان ۶۰
- نقشه ۵: مدل هارتلند (قلب زمین) ۱۵۳
- نقشه ۶: جهان از نگاه ساموئل هانتینگتون ۱۵۶
- نقشه ۷: موقعیت قلب زمین ۱۶۰

فهرست نمودار

- نمودار ۱: هزینه‌های دفاعی آمریکا ۱۹۵۳-۱۹۷۷ ۶۷

مقدمه

جغرافیا استعاره‌ای از سیاست است. تصمیمات سیاسی در یک محیط کلی اتخاذ می‌شود و در نتیجه تصویری از واحدهای سیاسی توسط جغرافیدان‌ها ارائه می‌گردد. یک سیاستمدار از مدل‌های محدود علوم اجتماعی که با نقشه‌های جغرافیایی کاملاً متفاوت است کمک می‌گیرد، ولی هیچ‌گاه یک سیاستمدار نتوانسته بدون داشتن دید کلی از جغرافیای سیاسی و یا ژئوپلیتیک در برخورد با مسائل جهانی و یا منطقه‌ای و محلی به راهکارهای مطلوب برسد. به همین دلیل در دهه‌های اخیر جغرافیدانان سیاسی به نظریه‌های جدیدی دست یافته‌اند و توانسته‌اند در حل مشکلات بین‌المللی به موفقیت‌های چشمگیری دست یابند. دادن مدل‌ها توسط جغرافیدانان سیاسی که تابع مکتب کارکردگرایی بوده‌اند همانند تایلر^۱ و کوهن^۲ موجب پیشرفت‌های زیادی در این زمینه شده است. کمالینکه کوهن در دهه هفتاد میلادی با عنوان مطالبی تحت نام «جغرافیا و قدرت سیاسی»^۳ توصیه‌های جالبی نموده و مدل‌هایی ارائه داد. سایر دانشمندان نیز در این راستا به سیاستمداران توصیه‌های جالبی نموده‌اند. تا زمانی که یک سیاستمدار نتواند ارتباط نزدیکی با جغرافیدانان سیاسی برقرار کند، هیچ‌گاه از کارایی مطلوبی برخوردار نخواهد بود. امروزه این نظریه مطرح است که کار جغرافیدانان سیاسی چیست و محور فعالیت خود را باید بر چه اساسی قرار دهند؟

آنچه مسلم است، جغرافیدانان سیاسی باید به دنبال شناخت کانون مرکزی سیاست باشند و برای آنکه بتوانند از عهده چنین امر مهمی برآیند، لازم است از یک قدرت درک و فهم و پیش‌بینی و پیشگویی برخوردار باشند. اگر ما بخواهیم

1. Peter, Taylor

2. S. B. Cohen

3. Geography and Political Powers

برای جغرافیدانان سیاسی دو ویژگی خاص را مطرح کنیم که در لوای آن بتوانند به درک و فهم کانون مرکزی سیاست بپردازند، این ویژگی‌ها عبارتند از:

۱. فلسفه ماوراء تصمیمات سیاسی مهم را درک کنند. «تصمیمات سیاسی مهم» تصمیماتی است که زندگی همه مردم را تحت تأثیر قرار می‌دهد و با قدرت سر و کار دارد.

۲. جغرافیدان سیاسی باید بتواند ارتباط بین پدیده‌های جغرافیایی و به کارگیری انواع قدرت سیاسی را درک نماید.

به دلایلی که ذکر شد، امروزه نظریه‌پردازان جدید متفق‌القول هستند که اگر عواملی که در سیاست ملل نقش دارند و به شکلی می‌توانند در تغییر و تحولات جهانی به سرعت وارد عمل شوند کارآیی خود را حفظ کنند، باید به فاکتورها و عواملی که تأثیر بسزایی در روابط بین‌الملل دارند توجه کنند. امروزه روابط بین ملت و دولت و آشکالی که این روابط را شکل می‌دهد در حقیقت مهمترین مباحث را در جغرافیای سیاسی به خود اختصاص داده‌اند، واژه Nation State بیانگر درک این واقعیت‌هاست. روندی که ما در پیش داریم بیانگر این است که Nation State یا «دولت-ملت» و یا دولت ملی بیانگر درک این حقیقت است که این رابطه بهترین شکل روابط دولت و مردم است. «قدر مسلم» موضوعات جغرافیای سیاسی به موازات تحولاتی که صورت می‌گیرد، دچار دگرگونی شده‌اند. امروزه در سازماندهی سیاسی فضا، خیلی از مسائل باید مد نظر قرار بگیرد. نظریه‌ای که امروز مطرح شده بیانگر این است که اگر این تحولات با همین روند پیش برود در آینده باید شاهد کمرنگ شدن مرزهای سیاسی کشورها باشیم؛ در حالی که در قرن بیستم مرزهای سیاسی کشورها سبیل جغرافیای کشورها بوده است.

حال این سؤال پیش می‌آید که چطور ممکن است یکباره این مفاهیم و عوامل تغییر ماهیت بدهند؟ آنچه مسلم است «ارتباطات» در این میان نقش مهمی خواهند داشت. به عبارت ساده‌تر آنچه این جهان کنونی را در آینده متحول خواهد کرد منشأ جغرافیایی دارد، به این معنی که پدیده‌های اقتصادی، ارتباطات و رفاه‌طلبی پدیده‌هایی هستند که هرچه بیشتر انسان‌ها را به هم پیوند می‌دهند؛ یعنی همه چیز به تدریج جهانی می‌شود. در چنین وضعیتی آیا ما به این همه تنوع که در حال حاضر بین دولت‌ها، ملت‌ها، سیستم‌های سیاسی و سیاست‌های اقتصادی وجود دارد برخورد خواهیم کرد؟ پاسخ منفی است. زمانی بهره‌برداری از

محیط تابع مکاتب خاصی بود. گروهی طرفدار نظام سرمایه‌داری، رقابت، بهره‌کشی هر چه بیشتر از انسان و طبیعت به شکلی کنترل‌نشده بودند و رفاه را در این پدیده می‌دیدند و گروهی دیگر همه چیز را از دید میزان کار مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دادند و می‌خواستند همه چیز حالت تمرکزی داشته باشد و نظارت دولت همه‌جاگیر شود و در این راه از هیچ کوششی هم فروگذار نکردند؛ ولی قرن بیستم ثابت کرد که هر دو اشتباه کرده‌اند. در بین این دو گروه، گروه سومی هم قرار داشتند که خود را تحت ستم احساس می‌کردند و در هر فرصتی که برایشان فراهم می‌شد نارضایتی خود را به آشکال مختلف (نافرمانی، خشونت پنهان، خشونت آشکار، تروریسم و...) نشان می‌دادند. برای رهایی از این وضعیت گروه سوم زمانی زیر پرچم غیر متعهدها جمع شدند که از آن به نتیجه نرسیدند و گاهی به این اردوگاه جذب می‌شدند و گاهی به آن اردوگاه، در هر مقطعی به دنبال رهبرانی می‌گشتند که آن‌ها را به سوی اهداف خودشان هدایت کند تا سرانجام در اواخر قرن بیستم تفکرات دین‌گرایی مطرح شد و در این رابطه نظریات جدید طرح گردید که ما اینک در این دوران به سر می‌بریم. ولی همه این تحولات اگر به صورت مجرد مورد توجه و تجزیه و تحلیل قرار گیرد، باز جغرافیدانان سیاسی همان اشتباه را خواهند کرد که در گذشته مرتکب شدند. لذا این نظریه قوت گرفته که برای روابط درست بین انسان و محیطی که در آن قرار گرفته باید ترکیب خاصی را مورد توجه قرار بدهد که در آن ترکیب انسان به عنوان یک انسان ملاک قرار بگیرد و نه ابزار. امروزه توجه به انسان به عنوان محور اساسی در روابط بین‌الملل مورد نظر است تا جایی که عده‌ای از حقوقدانان-نه سیاستمداران و نه جغرافیدانان سیاسی- در تلاش هستند که روابط سیاسی و بین‌المللی را بر محور ویژگی‌های انسانی قرار دهند، لذا امروزه نظریه جهان چهارم^۱ را مطرح می‌کنند که نظریه‌ای متفاوت از دیگر نظریات است.

در سال‌های اخیر مرزهای ژئوپلیتیک تا حدی مبهم شده‌اند، زیرا روشن است که جدا دانستن قلمروهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی زندگی سیاسی امری کاملاً غیر منطقی است. فرایندهای همراه با جهانی شدن، نشان داده‌اند که همبستگی مراکز دانشگاهی در جهان امروز امری گریزناپذیر است. برای مثال جغرافیدانانی که از لحاظ سیاسی گرایشات فمینیستی (نهضت آزادی زن) دارند، نشان داده‌اند که روابط بین زنان و مردان نقش مهمی در ارزیابی سیاست بین‌المللی دارد.

جغرافیدانان فعال در حوزه اقتصاد متمرکز جغرافیایی سیاسی به گونه‌ای سیاست‌های بین‌المللی را به سمتی سوق دهد که نقش شرایط اقتصادی و بازیگران غیردولتی مثل شرکت‌های بازرگانی و چندملیتی در آن بیشتر مشخص گردد. نظام‌بندی‌هایی چون روابط بین‌الملل یاری می‌کند تا مفاهیم کلیدی جغرافیای سیاسی همچون حق حاکمیت، محدوده، قلمرو و ملی‌گرایی مورد بازبینی مجدد قرار گیرد.